

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۴

صص ۱۴۹-۱۳۵

تحلیل تطبیقی جهت‌گیری ارزشی مادی و فرامادی در

بین شهروندان اشنویه با تاکید بر تفاوت‌های بین نسلی

فخرالدین مام‌علی^۱

دکتر افشار کبیری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۲

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی جهت‌گیری ارزشی مادی و فرامادی در بین شهروندان اشنویه با تاکید بر تفاوت‌های نسلی انجام پذیرفت. جمعیت‌آماری این تحقیق ۲۷۱۳۵ نفر می‌باشد و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است، که نمونه به دست آمده از این فرمول ۳۸۵ نفر می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده پیمایش است و از طریق پرسشنامه داده‌ها جمع‌آوری شده است. برای برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین میزان دین‌داری و جهت‌گیری دو نسل تفاوت نسلی وجود ندارد، از لحاظ سرمایه فرهنگی نیز تفاوت بین نسلی وجود ندارد، استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی باعث تفاوت بین نسلی می‌باشد. جهت‌گیری ارزشی دو نسل از لحاظ شیوه‌های تربیتی نیز تفاوت دارند، بر اساس میزان احساس امنیت جهت‌گیری ارزشی دو نسل با هم متفاوت می‌باشد و همچنین بر اساس نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی، جهت‌گیری ارزشی دو نسل متفاوت می‌باشد.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری ارزشی، احساس امنیت، سرمایه فرهنگی و دین‌داری.

مقدمه

در دنیای دگرگون و متحول کنونی، جوامع در ابعاد و زمینه‌های گوناگون و مختلف دچار تغییر و تحول می‌شوند، چرا که تغییر یکی از بدیهی‌ترین خصوصیات جوامع است. از جمله مهم‌ترین این تغییر و تحولات، تغییر در فرهنگ و ارزش‌های آن‌ها است. ارزش‌ها و تغییر و تحولات ارزشی جوامع از جمله موضوعات مهمی است که افکار جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی را به خود جلب کرده است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

۲. استادیار دانشگاه ارومیه- ایران (نویسنده مسئول).

گسترش تکنولوژی و شبکه‌های اطلاعاتی و رسانه‌های جمعی باعث شده است که سطح سواد و آگاهی بالا رفته، مرزهای جغرافیایی و قراردادی جوامع شکسته شده و دنیا یکپارچه به سوی دهکده جهانی پیش برود و فرهنگی که در آن شکل می‌گیرد، فرهنگ جهانی نامیده شده که با شتاب هم در حال گسترش است. کشور ایران، طی دو دهه اخیر، شاهد حوادث و تغییر و تحولات شگرفی از جمله انقلاب اسلامی و جریان تحول و توسعه سیاسی در سال‌های اخیر بوده است که باعث بالا رفتن آگاهی، اطلاعات و سطح سواد مردم شده است. هم‌چنین با افزایش دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی جامعه به آگاهی عمومی بالاتری رسیده، که بیش از هر زمان دیگری دگرگونی و تغییر و تحول ارزشی در آن را سبب شده و هم‌چنان به صورت رو به رشد در حال گسترش است. ارزش‌ها در جامعه به مثابه پدیده‌های اجتماعی از مشخصه‌های مهم جوامع می‌باشند که از شکل‌گیری و کنترل کنش‌ها و گرایش‌ها، باورهای افراد و نیز ساخت‌دهی به نظام فرهنگی هر جامعه، نقش بسیار مهمی را در تحولات آن به عهده دارد، به گونه‌ای که سوگیری ارزشی، یکی از مهم‌ترین سطوح تغییرات در نگرش، باورها و سطوح توسعه‌ای جوامع به حساب می‌آید، چرا که ارزش ریشه در باور، عقاید و چشم‌اندازهای جامعه دارد. از این روست که تغییر ارزش‌ها به تغییر در نظام فرهنگی و اجتماعی منجر می‌گردد و بر این اساس است که می‌توان انتظار چالش‌های مختلفی را از ناحیه آن داشت.

شاید عمده‌ترین چالش‌های ممکن در جوامع جدید، چالش در مورد ساختار ارزش‌ها باشد، چالشی که با کندن از ارزش‌های سنتی و تمایل به سوی ارزش‌های مدرن همراه است و تعارض و تقابل در نظام ارزشی جوامع را به همراه دارد. آنچه امروز به ویژه در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در جامعه ایران با توجه به گسترش آموزش و پرورش، رشد رسانه‌ها و نفوذ آن‌ها در زندگی فردی و جمعی، رشد شهرنشینی، تمرکز فزاینده جمعیت در شهرها، افزایش سطح آموزش زنان، توسعه فرایندهای تفکیک اجتماعی، گذار از جنگ، اهمیت امور اقتصادی و ... رخ داد؛ زمینه‌های ظهور سطوح متفاوتی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... را میسر ساخت به گونه‌ای که در سطح درون اجتماع و بین جامعه‌ای می‌توان تعارض‌ها و تفاوت‌هایی را شاهد بود. دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل‌ها به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی به تدریج به سیاست و هنجارهای فرهنگی جوامع انتقال یافته است. این جا به جایی الزامات گسترده‌ای در بر خواهد داشت، به نظر می‌رسد که این فرایند دگرگونی ارزشی در ایجاد فضای باز سیاسی (دموکراتیزه کردن) در تمام جوامع مفید می‌باشد (آبرامسون و دیگری، ۱۹۹۲). طبیعی‌ترین نتیجه این فرایند این بود که نسل جدید، نسلی شد که اولاً بسیار با شتاب، اجتماعی می‌گردید و ثانیاً در راه اجتماعی شدن تنها منبع ارزش‌گذار او دیگر خانواده و سنت حاکم بر خانواده نبود. زیست جهان متفاوت نسل نو یا به تعبیر مانهایم تجربیات دگرگون آنان، که سبب تحولات صنعتی و سپس اجتماعی - فرهنگی به وجود آمد، بین جهان بینی نسل جدید و نسل قدیم شکاف انداخت و از این مهم‌تر، امکان ظهور و بروز این

شکاف را در زبان و رفتار گروه جدید فراهم ساخت. نسل‌های جوان‌تر با پذیرش عقاید و ارزش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به تغییرات اجتماعی بر عهده می‌گیرند و حال آن‌که، نسل‌های قدیمی‌تر با پایبندی بیشتر و ارزش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده‌ای را در شکل دادن بیشتر به عقاید و ارزش‌های سنتی جامعه، در برابر تغییرات سریع، مقاومت نشان می‌دهند. در این بین شهرستان اشنویه نیز به دلیل بافت متفاوت قومی و فرهنگی و وجود آماربالای جوانان و هم‌چنین به سبب پدیدآمدن نسلی با هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات متفاوت از گذشتگان چنین می‌نمایند که مساله تفاوت بین نسلی دغدغه برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی را به خود مشغول داشته باشد و بر این اساس است که مساله اساسی این پژوهش در پی پاسخ به آن است، شناسایی و تدقیق وضعیت تفاوت نسل در شهرستان اشنویه بوده است، بنابراین با شواهد در دسترس پیرامون تفاوت‌های نسلی شهرستان اشنویه میان فرزندان و والدین، در ابعاد ارزش-های مادی و فرامادی اعم از شیوه‌های تربیتی خانواده، احساس امنیت، استفاده از رسانه‌های جمعی، سرمایه فرهنگی و ارزش‌های مذهبی بررسی می‌گردد.

اهداف تحقیق

اهداف کلی

۱. تعیین تفاوت جهت‌گیری ارزشی در بین دو نسل شهروندان شهر اشنویه
۲. تطبیق جهت‌گیری ارزشی (مادی و فرامادی) دو نسل شهروندان شهر اشنویه.

اهداف جزئی

۱. تعیین تفاوت جهت‌گیری ارزشی نسل اول شهروندان شهر اشنویه برحسب شیوه‌های تربیتی خانواده
۲. تعیین تفاوت جهت‌گیری ارزشی نسل دوم شهروندان شهر اشنویه برحسب شیوه‌های تربیتی خانواده
۳. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل اول (والد) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان احساس امنیت
۴. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل دوم (فرزند) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان احساس امنیت
۵. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل اول (والد) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان استفاده از وسایل رفاهی
۶. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل دوم (فرزند) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان استفاده از وسایل رفاهی
۷. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل اول (والد) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی
۸. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل دوم (فرزند) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی
۹. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل اول (والد) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان دین‌داری

۱۰. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل دوم (فرزند) شهروندان شهر اشنویه برحسب میزان دین‌داری
۱۱. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل اول (والد) شهروندان شهر اشنویه برحسب سرمایه فرهنگی
۱۲. تعیین رابطه جهت‌گیری ارزشی نسل دوم (فرزند) شهروندان شهر اشنویه برحسب سرمایه فرهنگی
۱۳. تعیین تفاوت جهت‌گیری ارزشی دو نسل شهروندان شهر اشنویه برحسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین شیوه‌های تربیتی خانواده و جهت‌گیری ارزشی نسل اول تفاوت وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین شیوه‌های تربیتی خانواده و جهت‌گیری ارزشی نسل دوم تفاوت وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین میزان احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی نسل اول رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین میزان احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی نسل دوم رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از وسایل رفاهی و جهت‌گیری ارزشی نسل اول رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از وسایل رفاهی و جهت‌گیری ارزشی نسل دوم رابطه وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین میزان استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی و جهت‌گیری ارزشی نسل اول رابطه وجود دارد.
۸. به نظر می‌رسد بین میزان استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی و جهت‌گیری ارزشی نسل دوم رابطه وجود دارد.
۹. به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری و جهت‌گیری ارزشی نسل اول رابطه وجود دارد.
۱۰. به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری و جهت‌گیری ارزشی نسل دوم رابطه وجود دارد.
۱۱. به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و جهت‌گیری ارزشی نسل اول رابطه وجود دارد.
۱۲. به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و جهت‌گیری ارزشی نسل دوم رابطه وجود دارد.
۱۳. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی دو نسل تفاوت وجود دارد.

تعریف و نحوه سنجش متغیر وابسته/ملاک

تعریف مفهومی متغیر وابسته (ملاک) و متغیر (پیش‌بین)

- ارزش: به طور کلی می‌توان گفت؛ ارزش‌ها، معیارها، استانداردها و عنصر مرکزی در جهت‌دهی به رفتار افراد در جامعه هستند (یوسفی، ۱۳۸۳).
- نظام ارزش‌ها: منظور از نظام ارزش‌ها مجموعه‌ای از روش‌های مرتبط با هم است که رفتار و کارهای فرد را نظم می‌بخشد، در نظام ارزشی، ارزش‌ها منسجم، مرتبط و هماهنگ هستند (یوسفی، ۱۳۸۳)
- ارزش‌ها، احساسات ریشه‌دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریکند. این ارزش‌ها هستند که اعمال و رفتار افراد در جامعه را تعیین می‌کنند (کوئن، ۱۳۸۲ و داریاپور، ۱۳۸۶). در واقع ارزش‌ها، استانداردها

و معیارهایی برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت کردند درباره ایده او رفتار، طرح‌ریزی و هدایت رفتار، تصمیم‌گیری بین شقوق، مقایسه کردن خود با دیگران، مدیریت کردن تعاملات اجتماعی و ارائه آن به دیگران را فراهم می‌کنند (cilali and Teaur, 1998).

- تفاوت نسلی: تفاوت نسلی به معنای قبول حضور سه نسل مستقل مرتبط با یکدیگر در متن اجتماعی و فرهنگی است. هر نسلی با توجه به درک و فهمی که از اوضاع و موقعیت‌های پیرامونی دارد، هویت مستقلی که در عین حال نیز به لحاظ حضور همزمان رابطه تعاملی پیدا می‌کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۵۶ و کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۶).

- نسل: نسل در جمعیت‌شناسی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۰۷).

- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی‌شدن در فرد انباشته می‌شود (بورديو، ۱۳۸۱).

- پایگاه اجتماعی: پایگاه اجتماعی-اقتصادی، پایگاهی است که فرد در میان یک گروه دارد، یا به مرتبه اجتماعی-اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد موثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی-اجتماعی به دست می‌آورد (کوئن، ۱۳۷۳: ۲۴۰).

- رسانه‌های جمعی: به مجموعه‌ای از ابزارها اطلاق می‌شود که به نحوی اطلاعات را به شکل جهانی توزیع می‌کنند (برزگر، ۱۳۸۵).

- احساس امنیت: امنیت به معنای حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲) به عقیده بوزان امنیت بشری به ۵ دسته تقسیم می‌شود که عبارت است از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (همان: ۳۴).

تعاریف عملیاتی متغیر پیش‌بین (ملاک)

ارزش‌های فرامادی شامل:

- احترام به اندیشه‌ها

- اعطای حق مشارکت در تصمیم‌گیری مهم دولت

- آزادی بیان

- جامعه انسانی و دوستانه‌تر

- زیباتر کردن چهره شهرها و حومه‌های آنها

ارزش‌های مادی شامل:

بعد اول: امنیت اقتصادی

- مبارزه با تورم یا افزایش قیمت‌ها

- اقتصاد پایدار و با ثبات

بعد دوم: امنیت جانی

- نیروی دفاعی قوی

- حفظ نظم

- مبارزه با جرم و جنایت

سرمایه فرهنگی: شامل سه بعد سرمایه فرهنگی خانواده یا فضای فرهنگی خانواده، هنر دوست بودن خانواده و سرمایه فرهنگی خود فرد.

دین‌داری: شامل اعتقاد به جهنم و بهشت، اعتقاد به معاد، اعتقاد به شیطان، اعتقاد به گناه، اعتقاد به روح و اعتقاد به خدا.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی عبارت است از: منزلت شغلی پدر، میزان تحصیلات پدر و درآمد خانواده. استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی: منظور استفاده از محتوای رسانه‌های جمعی شبکه‌های تلویزیون داخلی، فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده از شبکه‌های اینترنتی خواهد بود، از جمله برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، موزیک، فیلم و سریال علمی است. وسایل رفاهی: در این تحقیق منظور از وسایل رفاهی نوع مالکیت منزل، امکانات و وسایل مورد استفاده در خانواده شامل وسایل ضروری، وسایل لوکس و زینتی، وسایل الکترونیکی شخصی و اینترنت است.

احساس امنیت: در این تحقیق احساس امنیت در سه بعد امنیت جانی، امنیت شغلی و امنیت مالی سنجیده شد و در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

شیوه‌های تربیتی: شیوه‌های تربیتی با استفاده از ۴ سوال با طیف لیکرت و در سطح اسمی، که شامل دو قسم شیوه تربیتی هم‌نواپی و شیوه تربیتی خود رهبری می‌باشد.

تحقیقات انجام شده

پژوهش الیاسی (۱۳۸۶) که درباره سنجش رابطه گسست نسلی با سبک فرزندپروری پدران صورت گرفت. در این تحقیق که از روش پیمایشی و در نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ پدر و پسر دانش‌آموز که به صورت تصادفی گزینش شده بودند نشان داد که اولاً بین دو سوم نوجوانان و پدران آنان گسست روانی وجود دارد؛ ثانیاً بین رشد اخلاقی پدران و میزان گسست روانی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ ثالثاً بین رشد اخلاقی پدران و نگرش‌های سیاسی آنان با نگرش‌های فرزندان‌شان رابطه وجود دارد (الیاسی، ۱۳۸۶).

تحقیق دیگری با عنوان نقش شکاف‌انداز تجربیات نسلی در ایران توسط کاشی و گودرزی بر مبنای تحلیل یافته‌های موج نخست پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، در سال ۱۳۸۳ انجام شد، در این پژوهش، تفاوت ارزش‌ها و نگرش‌های نسلی مورد بررسی قرار گرفت.

محققان با تکیه بر رویکرد تجربه نسلی و با استناد به نظریه روانکاوانه کریستوفر بالس، دو تجربه گرم و فراگیر جنگ و انقلاب راه، کانون اصلی و همگرایی و واگرایی‌های میان گروه‌های سنی در ایران دانسته و نسل‌های گوناگون را بر مبنای نسبتی که با تجربیات نسل جنگ، نسل دارای خاطره موثر از جنگ و نسل فاقد خاطره جنگ داشتند. در این پژوهش، باور به گرایش‌های نسلی، در سه حوزه ارتباطات چهره به چهره، حوزه تعمیم یافته اجتماعی و حوزه تعاملات نهادی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های این تحقیق وجود تعارض ارزشی و نگرش نسلی را تایید نمی‌کند، اما تجربیات نسلی را در بروز تفاوت میان نسل‌های گوناگون، نمایان می‌سازد (کاشی و دیگری، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

زهرا داریارپور (۱۳۸۶) استادیار دانشگاه شاهد در پژوهشی تحت عنوان ساختار ارزشی و مناسبات نسلی بر مبنای چارچوب نظری شواتز، ارزش‌های جوانان و بزرگسالان را با هم مقایسه نمود. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که کم‌اهمیت‌ترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان، بلندپروازی، حادثه‌جویی و خوشگذرانی است. مهم‌ترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان امنیت، مساوات و فرصت‌های یکسان است. مهم‌ترین ارزش‌ها در نزد جوانان سلامتی، احترام و آزادی است. ارزش‌های جوانان در ۲۸ مورد با بزرگسالان دارای تفاوت معنی‌داری است. میزان اهمیت جوانان به انواع ارزشی امنیت، سنت، جهان‌گرایی و برانگیختگی با بزرگسالان متفاوت است.

یوسفی (۱۳۸۳) در بررسی تفاوت ارزش‌های پدران با فرزندان‌شان و عوامل تاثیرگذار بر آن در شهر تهران با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه و مصاحبه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین متغیرهای تضاد هنجاری نسل‌ها، استبدادگرایی پدران، حسو ارزشی پدران، بحران هویت نسل فرزندان، فردگرایی نسل فرزندان، فاصله تحصیلی والدین با فرزندان و شکاف بین‌نسل‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

قاضی‌نژاد در سال ۱۳۸۳ در پایان‌نامه خود با عنوان نسل‌ها و ارزشی نسل جوان و بزرگسال به شناخت و تحلیل پدیده تفاوت یا شکاف نسلی در بعد ارزش‌ها می‌پردازد. داده‌ها حاکی از آن هستند که هر چند برخی شباهت‌های ارزشی، به ویژه در زمینه ارزش‌های مرتبط با سطوح اجتماعی و ملی نظیر نظم، امنیت، همکاری و توسعه در میان سه نسل وجود دارد. در خصوص شمار درخور توجهی از مقولات و جهت‌گیری‌های ارزشی نظیر ارزش‌های مربوط به اعتقاد و پای‌بندی مذهبی بین سه نسل و عمدتاً بین نسل‌های سوم (جوان) و دوم (میانه) تفاوت جدی و معنی‌داری وجود دارد (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳).

اسماعیلی در سال ۱۳۸۱، به بررسی فاصله‌گیری نسلی و تغییرات فرهنگی در جامعه شهری اصفهان پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که در برخی از موارد و موضوع ما، از جمله عقاید و باورها و رفتارهای مذهبی، جامعه شهری اصفهان در حالت فاصله‌گیری نسلی شدیدتری قرار گرفته است (اسماعیلی، ۱۳۸۱).

ربانی و محمدزاده (۱۳۸۵)، بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تاکید بر ارزش‌های دینی را انجام داده است که هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران با تاکید بر ارزش‌های دینی در شهر مشهد است. جامعه آماری مادران و دختران در شهر مشهد را در بر می‌گیرد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۲۰۳۴۷۶ نفر بوده‌اند. از میان دختران جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله و والدین آن‌ها ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش تحقیق کیفی بوده است، نتایج این پژوهش نشان داد که مادران در زمینه ارزش‌های دینی بر روی دختران‌شان تاثیر به سزایی داشته‌اند و اختلاف بین دختران و مادران در زمینه این ارزش‌ها بر روابط بین آن‌ها تاثیرگذار نیست. بر این اساس، می‌توان گفت بین دختران جوان و مادران آن‌ها در زمینه ارزش‌های دینی تفاوت نسلی وجود دارد.

یوت شونفولونگ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی انتقال بین نسلی ارزش‌ها که بر روی ۲۰۰ تن از پدران و فرزندان ترکیه‌ای ساکن در دو منطقه آلمان و ۱۰۰ تن از پدران و فرزندان ساکن در ترکیه انجام داده بود، به این نتیجه رسید که بین فردگرایی-جمع‌گرایی و انتقال ارزشی رابطه وجود دارد. به این صورت که در فرهنگ‌های جمع‌گراتر انتقال ارزشی بهتر صورت می‌گیرد، "هر چه قدر جوانان جمع‌گراتر باشند، بیشتر به آمال و خواسته‌های خانوادگی وفادارند و فردگرایی جوانان بستری برای فاصله افتادن بین جوانان و بزرگسالان است" (Schonpflug, 2001: 174).

رابرت پاتنام (۲۰۰۰) جامعه‌شناس آمریکایی یکی از کسانی است که تفاوت نسلی را به طور تجربی به تصویر کشیده است، وی به خوبی نشان داده است که از دهه ۶۰ تا به امروز، جامعه آمریکا شاهد افول تدریجی آن‌چه وی سرمایه اجتماعی می‌نامد، بوده است. نشانه‌های عمده این افول را پاتنام در تضعیف ارتباطات اجتماعی، افول حساسیت‌های سیاسی، تخریب اعتماد عمومی و خود محوری شدن روزافزون آمریکایی‌ها می‌بیند. نکته محوری در مطالعه پاتنام که به بحث ما مربوط می‌شود، این است که این روند نزولی مشارکت مدنی، نسل به نسل شدت گرفته است تا جایی که کمترین میزان مشارکت مدنی و حساسیت اجتماعی را در میان متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ می‌توان مشاهده کرد. مهم‌ترین این تمایزات عبارت است از: فردگرایی و نیز مادی‌گرایی بیشتر جوانان، ارتباطات کم عمق اجتماعی، نارضایتی بیشتر، مشارکت اجتماعی کمتر، سوءظن و بی‌اعتمادی نسبت به سایرین و نیز نسبت به حکومت (Putnam, 2000: 260).

لیات کولیک (۲۰۰۵) در تحقیقی به بررسی تطبیقی تاثیر متغیرهای زمینه‌ای بر نگرش‌های راجع به زندگی خانوادگی در بین والدین و فرزندان پرداخته است. نمونه این تحقیق شامل ۹۸ نوجوان (با میانگین

سن ۱۵ سال) ۹۸ پدر و ۹۸ مادر در اسرائیل بوده است. هدف این تحقیق بررسی نگرش‌های والدین و فرزندان راجع به سه جنبه خانوادگی نقش‌های جنسیتی، همجنس‌گرایی و طلاق و بررسی این مساله که کدام متغیرهای پس‌زمینه‌ای والدین بر این نگرش‌ها موثرند بوده است. در این راستا سه دسته از متغیرهای زمینه‌ای تحلیل شده‌اند: متغیرهای شخصی (سن، دین‌داری و قومیت)، متغیرهای شغلی، تحصیلی (سطح تحصیلات، فشار کاری و درآمد) و متغیرهای خانوادگی (مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان). نتایج این تحقیق نشان‌دهنده تأثیر بیشتر متغیرهای زمینه‌ای بر نگرش‌های والدین نسبت به نگرش فرزندان بوده و قدرت تبیین این متغیرها را نشان می‌دهد. اما طبق نتایج، تفاوت زیادی در نگرش‌های دو نسل گزارش نشده است. نتایج این تحقیق در کل تصویر پیچیده‌ای از انتقال بین‌نسلی را نشان می‌دهد که در برخی حوزه‌ها ضعیف‌تر از حوزه‌های دیگر صورت می‌گیرد. در تحلیل این مساله محقق وضعیت گذار از سنت به مدرنیته و هم‌چنین جوان بودن جامعه اسرائیل را در کنار متغیرهای زمینه‌ای تحقیق مهم دانسته و بر چالش‌های فراروی محققان روابط خانوادگی و انتقال بین‌نسلی در کشورهای در حال گذار تأکید می‌کند. برودی و همکاران (۱۹۹۴) نیز تحلیلی طولی از داده‌های پیمایش ملی کودکان در آمریکا مربوط به مقاطع زمانی (۱۹۸۷ و ۱۹۸۱) انجام داده‌اند. نمونه آن‌ها شامل ۵۹۲ خانواده که در هر دو پیمایش شرکت داشته‌اند بوده است. نتایج تحلیلی نشان داد که نوجوانانی که به صورت فعال در تصمیم‌گیری‌های خانواده شرکت داده شده‌اند و روابط آن‌ها با پدران‌شان صمیمی‌تر بوده است (بر اساس داده‌های ۱۹۸۱)، در پیمایش شش سال بعد نگرش‌های آن‌ها با پدران‌شان شباهت بیشتری داشته است.

جامعه آماری و حجم نمونه

در این تحقیق جامعه آماری عبارت از تمام افراد شهر اشنویه می‌باشد که در فاصله سنی ۶۰-۱۴ سال قرار دارند، حجم کل جامعه آماری ۲۷۱۳۵ است. مشتمل بر دو نسل اول (پدر)، نسل دوم (فرزند، پسر) می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که در نهایت ۳۷۶ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. این تحقیق شامل کلیه افراد (مربوط به شهروندان) شهر اشنویه با دامنه سنی ۶۰-۱۴ ساله می‌باشد که بر اساس آمار اخذ شده از شبکه بهداشت و درمان شهرستان اشنویه و بر اساس آخرین آمار سال ۹۳ تعداد ۲۷۱۳۵ نفر هستند.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای جهت انتخاب نمونه استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا از کل شهر به صورت تصادفی ساده ۵ محله انتخاب شده است، سپس از میان محلات مجدداً به صورت تصادفی کوچه‌هایی برای نمونه‌گیری انتخاب شده و نهایتاً در داخل هر کوچه خانوارها نیز تصادفی انتخاب گردیدند و از هر خانوار یک فرزند با یکی از والدین (فرد ۶۰-۱۴ ساله) برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با درجه‌بندی طیف لیکرت به اندازه‌گیری می‌پردازیم.

اعتبار و پایایی

پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و اعتبار محتوا از طریق اعتبار صوری سنجیده شد.

جدول شماره (۱): میزان پایایی

متغیرها	میزان آلفای کرونباخ
جهت‌گیری ارزشی	۰/۸۶
دین‌داری	۰/۸۸
احساس امنیت	۰/۸۶
سرمایه فرهنگی	۰/۸۲

روش تحقیق (چگونگی جمع‌آوری داده‌ها)

نوع روش تحقیق روش پیمایش است. در مرحله اول که به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد، از فیش به عنوان ابزارگردآوری و در مرحله دوم که به صورت میدانی بود، برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد.

یافته‌ها

از نظر تحصیلات نمونه مورد بررسی، در نسل اول (والد) مقطع تحصیلی فوق دیپلم با (۳۴/۶) درصد بیشترین فراوانی و خواندن و نوشتن با (۰/۳) درصد کمترین درصد فراوانی را دارد. در نسل دوم (فرزند) کمترین فراوانی مربوط به بی‌سواد (۰/۰) درصد و بیشترین فراوانی مربوط به مقطع دیپلم با (۳۷/۸) درصد می‌باشد. درآمد دو گروه با هم سنجیده شده است، ابتدا به صورت یک سوال باز و به صورت طیف فاصله‌ای سنجیده شد و بعد به صورت طیف رتبه‌ای به ۷ رتبه تقسیم کردیم. بیشترین فراوانی درآمد دو گروه، ۷۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان با (۲۴/۲) درصد می‌باشد. از نظر نوع منزل مسکونی از کل نمونه مورد بررسی، نوع منزل مسکونی شخصی با ۷۲/۹ درصد، بیشترین فراوانی و نوعی منزل مسکونی سازمانی با ۲/۹ درصد کمترین درصد فراوانی را دارد. از نظر نوع شغل، بیشترین فراوانی در نسل اول (والد) شغل کشاورزی با (۴۲/۲) درصد و در نسل دوم (فرزند) شغل دانش‌آموز با (۲۳/۲) درصد می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، تعیین تفاوت جهت‌گیری ارزشی دو نسل و عوامل مرتبط با آن می‌باشد. بدین منظور پس از بررسی رویکردهای تئوریک مختلف و متغیرهای زمینه‌ای، مدل تحلیلی مبتنی بر تلفیق تئوری‌ها به دست آمد. سپس به بررسی مدل فوق، با توجه به داده‌های حاصل از روش پیمایش که در سطح شهر اشنویه از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به دست آمد، پرداختیم. برای آگاهی از خلاصه‌ی نتایج حاصل از این تحقیق، در ادامه، به تشریح نتایج بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق می‌پردازیم.

فرضیه اول بیان می‌کرد که بین جهت‌گیری ارزشی دو نسل تفاوت وجود دارد. نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. این نظریه نه تنها امکان پیش‌بینی جهت دگرگونی در آینده، بلکه دامنه این دگرگونی را که از جایگزینی نسلی انتظار می‌رود، فراهم می‌کند. با توجه به این امر که جایگزینی نسلی تنها عامل درگیر نیست، بلکه مولفه‌ای مهم در دگرگونی ارزشی به شمار می‌رود.

بررسی اینگلهارت در کشورهای غربی میان گروه‌های سنی مختلف بیانگر آن است که گروه‌های سنی جوان‌تر نسبت به گروه‌های سنی مسن‌تر سطوح بالاتری از فرامادی‌گری را دارند. وی با اشاره به مطالعات خود که به صورت پانل انجام شده است، نتیجه‌گیری می‌کند که جایگزینی نسل جدید و جوان، تحول اساسی از ارزش‌ها را موجب خواهد شد. غالب تحقیقات بر تفاوت بین نسلی در زمینه ارزش‌ها و جهت‌گیری نسل‌ها تأکید کرده‌اند و کمتر بر تفاوت و شکاف بین نسلی در این باب اشاره دارند. میان گروه‌های سنی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. یعنی می‌توان تحلیل یافته‌ها را یک‌باره بر مبنای شباهت‌ها و دیگر بار بر مبنای تفاوت‌ها سامان داد و نتایج به دست آمده مشابه با تحقیقات انجام شده الیاسی (۱۳۸۶)، دادایار (۱۳۸۶)، یوسفی (۱۳۸۳)، ابراهیمی (۱۳۸۶)، قاضی‌نژاد (۱۳۸۳)، اسماعیلی (۱۳۸۱)، ربانی و محمدزاده (۱۳۸۵)، فلاح (۱۳۸۷) و کاشی همسو می‌باشد.

فرضیه دوم بیان می‌کرد که بین شیوه‌های تربیتی و جهت‌گیری ارزشی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تفاوت میانگین در نسل والد نشان داد که بین دو متغیر شیوه‌های تربیتی در نسل اول (والد) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) و کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد تفاوت تأیید گردید، همچنین در نسل دوم (فرزند) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۴) تفاوت تأیید گردید، بنابراین شیوه‌های تربیتی خانواده در دو نسل باعث ایجاد تفاوت نسلی می‌باشد. بر طبق نظریه شواتز و گیسون (۱۹۹۸) دیدگاه خرد بر روابط بین نسلی در سطح خانواده‌ها متمرکز است، در این دیدگاه آن‌چه اهمیت دارد پیوستگی و انسجام بین شخصی است و زمان به لحاظ وقایع مربوط به رشد فرد و چرخه زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع چگونگی

جامعه‌پذیری فرد برای ورود به دوره بلوغ و انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها حائز اهمیت است، نتیجه به دست آمده با تحقیق الیاسی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

فرضیه سوم بیان می‌کند که بین میزان احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد. نتایج روابط همبستگی نشان داد که بین دو متغیر میزان احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی در نسل اول (والد)، برابر با (۰/۸۴) و سطح معنی‌داری (۰/۲۴۲) است و بزرگ‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد بنابراین رابطه‌ی معنی‌داری نیست؛ اما در نسل دوم با ضریب همبستگی (۰/۱۸۵-) و سطح معنی‌داری (۰/۰۱۰)، رابطه معنی‌دار است، بنا به تعبیر اینگلههارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان (پیش از بلوغ) دارای امنیت سازنده بودند، یعنی دارای امنیت اقتصادی و جانی. این افراد کسانی هستند که اولویت‌های ارزشی‌شان فرامادی‌گرایانه است، چرا که آن‌ها امنیت مادی و جانی را مسلم فرض کرده‌اند. بنابراین یک دسته نیازهای دیگری برای آن‌ها مطرح می‌شود، نیازهایی چون خود شکوفایی، عشق و دلبستگی که نیازهای سطح بالا هستند. آن‌ها کسانی هستند که به انتخاب انسانی اهمیت بسیار زیادی می‌دهند. ولی مادی‌گرایان افرادی هستند که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده ناشی از دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان و وضعیت اقتصادی فعلی، دارای اولویت مادی‌گرایانه هستند. اینان بیشتر بر امنیت اقتصادی و جانی تاکید می‌کنند. همین امر منجر به جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و نگرش‌های آن‌ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی مانند: روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و ... متفاوت می‌کند. به منزله یک تعمیم گسترده می‌توان اظهار داشت مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند. با توجه به نتایج این روابط، تفاوت نسلی برحسب اساس امنیت در بین دو نسل وجود دارد و با تحقیقات قاضی‌نژاد (۱۳۸۳) همسو می‌باشد.

فرضیه چهارم بیان می‌کند که بین میزان استفاده از وسایل رفاهی و جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری وجود دارد؛ نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین نسل اول (والد) ۰/۹۸۸ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۱- می‌باشد، کمتر از ۰/۰۵ است پس رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد و در نسل دوم (فرزند) ضریب همبستگی (۰/۲۵۲-) با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نیز معنی‌دار می‌باشد. گیدنز معتقد است مختصات زندگی نسل‌ها در شرایط اجتماعی جدید متحول شده است. این تحول در نظام فکری او در مفاهیمی مثل شیوه زندگی، اعتماد، رابطه ناب، خصوصی‌سازی و شور و شوق انعکاس یافته است. به نظر گیدنز، اختلاف بین نسل‌ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. او از زوایای گوناگونی تحولات و تغییرات نسلی را مورد توجه قرار داده است. از دید وی، شیوه زندگی یا سبک زندگی، تعریف جدیدی از برنامه‌های زندگی ارائه می‌دهد و نتیجه عملی آن، تغییر رفتارها و تحول هنجارها و ارزش‌ها

در حوزه مصرف و بازتولید آن است. هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد، به دنیای مدرن نزدیک‌تر باشد، شیوه زندگی او نیز با ارزش‌های جدید سر و کار بیشتری خواهد داشت. فرضیه پنجم بیان می‌کند که بین میزان استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی و جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری وجود دارد؛ نتایج همبستگی در نسل اول (والد) برابر با (۰/۰۸۴) و سطح معنی‌داری (۰/۲۴۳)، فرضیه تایید نمی‌گردد و هم‌چنین در ضریب همبستگی نسل دوم برابر با (۰/۱۷۴) و سطح معنی‌داری (۰/۰۱۶) فرض تایید می‌گردد، بنابراین فرض تفاوت بین نسلی برحسب استفاده و تاثیرپذیری از رسانه‌های جمعی تایید می‌گردد. مارگارت مید توضیح می‌دهد که پیوستگی فرهنگی نسل‌ها، که عامل انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است، در جامعه کنونی از میان رفته و نسل‌های مختلف به واسطه رشد سریع تکنولوژی علمی، انقلاب فن‌آوری و توسعه وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات، امکان درک یکدیگر و گفت‌گو با هم را از دست داده‌اند، به زعم وی تنها بیگانگی نسل دوم (جوان) مطرح نیست بلکه به همان اندازه باید به بیگانگی نسل اول (بزرگسال) نیز توجه کرد، هر دو معانی موجود در گفتگوها را درک نمی‌کنند. از نظر اینگلهارت نیز رشد و اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود که با تحقیقات معدنی و خسروانی همسو می‌باشد.

فرضیه ششم بیان می‌کند که بین سرمایه فرهنگی با جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری وجود دارد؛ نتایج نشان داد، ضریب همبستگی نسل اول (والد) ۰/۲۵۳ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ فرضیه تایید می‌گردد و در نسل دوم نیز با ضریب همبستگی ۰/۲۳۷ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ تایید شده است، بنابراین بین دو نسل برحسب سرمایه فرهنگی تفاوت نسلی وجود ندارد. اینگلهارت در این باره می‌نویسد: فراگرد دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل‌ها به تدریج به سیاست و هنجارهای فرهنگی جوامع پیشرفته انتقال می‌یابد. تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی، مسائل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و نیرو محرکه اصلی بسیاری از جنبش‌ها گردیده است، احزاب موجود را دچار انشعاب کرده، موجب پیدایش احزاب جدید شده و معیارهایی را که مردم با آن درک ذهنی خود را از سعادت ارزشیابی می‌کنند، دگرگون کرده است. از دید اینگلهارت خیزش فرامادی‌گری تنها یک جنبه از فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی است که به گرایش‌های مذهبی، نقش‌های جنسیتی، هنجارهای جنسی و هنجارهای فرهنگی جوامع غرب شکل نوینی بخشیده است. اختلافات بسیار جزئی در ترجیحات ارزشی دو نسل وجود دارند، نتیجه به دست آمده با تحقیقات یوسفی (۱۳۸۳) همسو می‌باشد.

فرضیه هفتم بیان می‌کند که بین میزان دین‌داری با جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری وجود دارد؛ نتایج نشان داد، ضریب همبستگی نسل اول (والد) ۰/۲۴۴ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ فرضیه تایید می‌گردد و در نسل دوم نیز با ضریب همبستگی ۰/۲۳۷ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ تایید شده است. بنابراین بین دو نسل برحسب میزان دین‌داری تفاوت نسلی وجود ندارد. نتیجه به دست آمده با تحقیقات ملکی (۱۳۷۵)، قاضی‌نژاد (۱۳۸۳)، اسماعیلی (۱۳۸۱) و ربانی و محمدزاده (۱۳۸۵)، همسو می‌باشد.

فرضیه هشتم بیان می‌کند، بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی تفاوت نسلی وجود دارد؛ در آنالیز واریانس یک طرفه نسل اول سطح معنی‌داری برابر (۰/۰۰۴) است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار می‌باشد. در آنالیز واریانس یک طرفه نسل دوم سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۱۵ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار می‌باشد در نتیجه جهت‌گیری ارزشی در سطوح مختلف پایگاه اقتصادی و اجتماعی تفاوت معنی‌داری دارد. تفاوت بین نسلی برحسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی دو نسل وجود ندارد. نتیجه به دست آمده با تحقیقات فلاح (۱۳۸۷)، همسو می‌باشد. این که شخص ارزش‌های مادی داشته باشد یا فرامادی، تاثیر مهمی بر این دارد که او بر اشکال اقتصادی یا غیراقتصادی موفقیت تاکید ورزد. طبق داده‌های زمینه‌یابی نوسان سنج اروپا، در همه کشورها، پرسش شوندگان مادی دستمزد خوب و شغل امن را انتخاب می‌کنند، در حالی که فرامادیون، کار با مردمی را دوست دارند و احساس رضایت می‌کنند را انتخاب می‌کنند. در کل، فرامادیون دو برابر بیش از مادیون این ارزش‌ها را انتخاب می‌کنند. بنابراین دستمزد بالا به هیچ وجه برای قشرهای جوان‌تر و ماهرتر نیروی کار برانگیزاننده نیست. آن‌ها بیشتر در جستجوی کار جالب، معنادار و مورد علاقه هستند و از این رو فرامادیون درآمدشان از همتایان مادی خود کمتر است. کشورهایی که نسبت فرامادیون در آن‌ها تقریباً زیاد است در مقایسه با کشورهایی که سهم مادیون در آن‌ها بیشتر است از آهنگ رشد اقتصادی کمتری برخوردارند. این امر بازتاب تفاوت‌های سطح فردی در انگیزه‌های متداول است که ریشه در ارزش‌های تلقین شده دوران کودکی دارد. چرا که در کشورهایی که دارای نسبت زیادی از فرامادیون هستند، کمتر به موفقیت اقتصادی اهمیت می‌دهند و بیشتر در جستجوی وجهه شغلی، تجربه‌های جالب و به طور کلی کیفیت زندگی مطلوب هستند.

پیشنادهای کاربردی

۱. سیاست‌های دولت باید از طریق ارزش‌های فرهنگی جدید با اشکال مختلف جامعه‌پذیری بیشتر رفتار و انگیزه‌های مردم را دگرگون سازد، لازمه تغییر رفتار و انگیزه مردم نیز به وجود آمدن احزاب و انجمن‌های گوناگون در جامعه می‌باشد.
۲. با توجه به تحولات فرهنگی جهانی در تعامل با تحولات اجتماعی ایران، موجب پیدایش مجموعه‌ای از ارزش‌های جدید از قبیل اهمیت پیدا کردن تحصیلات، فعالیت‌های هنری، اوقات فراغت و غیره در میان جوانان شده است، بنابراین باید مفری برای توسعه تغییرات به وجود آمده در راستای سیاست‌های دولت نیز اعمال شود.

منابع

- آزاد ارمکی، غ، ر. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی در ایران**. پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی تهران.
- اسماعیلی، ر. (۱۳۸۱). فاصله‌گیری نسلی و تغییرات فرهنگی در جامعه شهری اصفهان. **آموزه**. شماره ۱۳، صص ۲۴-۱۹.
- الیاسی، م، ح. (۱۳۸۶). سنجش گسست نسلی با سبک فرزندپروری پدران. **مجله جوانان و مناسبات نسلی**. شماره ۱، صص ۳۹-۲۵.
- اینکلهارت، ر؛ و همکاران. (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. ترجمه: ش، شفیع‌خانی. **نامه پژوهش**. شماره‌های ۱۴ و ۱۵. بزرگر، م. (۱۳۸۵). **اصول و مفاهیم فن‌آوری اطلاعات**. تهران: انتشارات بهینه.
- بورديو، پ. (۱۳۸۱). **نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی**. ترجمه: س، م، مردی‌ها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها و هراس**. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- داریاپور، ز. (۱۳۸۶). ساختار ارزشی و مناسبات نسلی. **فصلنامه تخصصی جوانان و مناسبات نسلی**. شماره اول.
- ریانی، ر؛ و دیگری. (۱۳۸۴). فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دین‌داری و ارزش‌های اجتماعی، (مطالعه موردی شهر دهدشت). **مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**. سال دوم، شماره ۱۹، صص ۲۱-۲۰.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات کیهان. چاپ اول.
- قاضی‌نژاد، م. (۱۳۸۳). **نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌گرایشات ارزشی نسل جوان و بزرگسال**. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کاشی، غ، ر؛ و دیگری. (۱۳۸۴). نقش شکاف‌انداز تجربیات نسلی در ایران. **رفاه اجتماعی**. شماره ۱۶، صص ۲۹۲-۲۵۱.
- کوئن، ب. (۱۳۷۴). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه: غ، ع، توسلی. تهران: انتشارات سمت.
- یوسفی، ن. (۱۳۸۳). **شکاف بین نسل‌ها، بررسی نظری و تجربی**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Abramson, P. & Ronald, I. (1992). **Generational Replacemenet-political science**. No. 22, P.p: 183-225.
- Cileli, M. & Tezer, E. (1998). Life and value orientations of Turkish university students. **Adolescence**. Vol. 32 & 33.
- Putnam, R. (2000). **Bowing Alone, the collaps and Revival of American community**. New York: Simon and Schuster.